

تاریخچه فوتبال

پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۶ شماره ۶

از حاجی بازاری‌ها تا تیک تاک

خرده‌روایت‌های شهر شلوغ صفحه ۱۲



نامدار تاریخ فوتبال.

۱۲ اما در میان هافبک‌ها و مهاجمان بگذارید اول درباره حاج صفی حرف بزنم. بازیکنی پراستعداد که قربانی فداکاری خود در وفق دادن همیشگی اش با تاکتیک‌های مربیان مختلف شده است. او می‌توانست بهترین هافبک وسط یک دهه گذشته ایران باشد اما اجازه داد مربیان مختلف او را بسته به نقاط ضعف تیم به دفاع چپ، هافبک دفاعی یا گوش چپ ببرند. در حالیکه او یک‌هافبک وسط پرانرژی و کم اشتباه است. در تمام اوقاتی که مسعود شجاعی با تکنیک ظریف اما سبک بازی پراشتباه خود داد مارا به آسمان بلند می‌کرد و در دورانی که مجتبی جباری را به خاطر مصدومیت و لجاجت در اختیار نداشتیم افسوس عدم توجه کی‌روش به قابلیت‌های حاج صفی را می‌خوردم و حس کردن بی دلیل او در پست‌هایی مثل دفاع چپ وهافبک تخریبچی. از معدود امتیازات ویلمتوس به کی‌روش بازگشت از شیوه به شدت تاکتیکی ۴-۲-۳-۱ یا ۴-۱-۴-۱ به شیوه مرسوم و متعارف ۴-۴-۲ است که اجازه می‌دهد بازیکن خوبی مثل حاج صفی همه کاره میانه میدان تیم ملی باشد. حاج صفی ۱۰۰ بازی ملی دارد و همیشه در طرح‌های تاکتیکی مربی‌ها گم شده است. او تایایان جام جهانی ۲۰۲۲ این شانس را دارد که به پانتنون بزرگان فوتبال ایران وارد شود.

۱۴ روی سعید عزت‌اللهی هم حساب می‌کردم اما فعلا که او روی دور بدشانسی است و بعید است تا آینده نه چندان نزدیک فرصتی برای تبدیل شدن به یک بازیکن بزرگ داشته باشد. علیرضا جهانبخش و وحید امیری و مهدی ترابی نشان دادند که ظرفیت محدودی دارند و خیلی نباید روی آنها حساب کرد (با اذعان به تمام شایستگی‌هایشان) اشکان و قدوس هم بازیکن‌های محترمی هستند ولی بعید است بتوانند به فهرست بزرگان تاریخ فوتبال ایران اضافه شوند. یعنی در حد نام‌های افسانه‌ای.

۱۵ اما هنوز دو گزینه داریم. مهدی طارمی و سردار آزمون. این دو ستاره خط حمله فوتبال ایران می‌توانند به این پانتنون راه پیدا کنند. طارمی ۲۷ ساله است و ۴۲ بازی ملی دارد و ۱۹ گل زده. با قامت ۱۸۷ سانتی متری و توانایی توماند در زمین و آسمان و با تکیه بر سرعت زیاد و خلاقیت قابل توجهش گویی از ترکیب امتیازات علی دایی و حمید علیدوستی ساخته شده است. طارمی پیش از این فرصت پیدا کرده بود که به تاریخ فوتبال ایران ضمیمه شود اما در بازی با پرتغال آن فرصت شگفت انگیز را از دست داد و ایران از صعود به دور دوم بازماند. حالا او سطح بالغانه‌تری از فوتبال را ارائه می‌دهد که می‌تواند راه درخشش او را هموار کند. او به لحاظ فیزیکی امتیازات فوق‌العاده‌ای دارد. بازیکنی است که این شایستگی را دارد که نامی بزرگ از خودش در فوتبال ایران بگذارد.

سردار آزمون تازه ۲۴ ساله است. سابقه بازی در مقابل مهم‌ترین تیم‌های فوتبال باشگاه اروپا را دارد و به بایرن مونیخ و آنتلیکو مادرید و به تازگی لیون گل زده است. او ۴۷ بازی ملی انجام داده و ۳۰ گل هم زده است. بازیکنی بسیار باهوش، بسیمار تاکتیکی و با توانایی‌های یکسان در زمین و آسمان. یکی از کامل‌ترین مهاجمانی که در فوتبال ایران دیده شده و سیر پیشرفت به شکل نامحسوسی ادامه دارد و از قرار را مدیریت خوب پدرش باشگاه‌های خود را به دقت انتخاب می‌کند و اسیر توهمات و خیالبافی‌ها نمی‌شود. او هم می‌تواند به پانتنون بزرگان تاریخ فوتبال ایران راه پیدا کند.

۱۶ این از ارزیابی‌های من بود. فکر کنم این دو نفر ظرفیت حضور در فهرست بزرگان را داشته باشند. اما همه‌اش ناشی از توانایی‌های تکنیکی و قدرت بدنی آنها نخواهد بود. آنها باید به لحاظ شخصیتی هم صعود کنند. باید این‌هاله نوجوانانه دورو بر خود را بشکافند و با سرنوشته و امیدهای مردشان صادقانه‌تر و متعهدتر روبه‌رو شوند. شاید قسمت سخت همین باشد!

بازیکن فوتبال همچون دسته جنگجویان فالانکس اسپار تایی هستند که باید از همان نوک حمله تا دروازه‌بان با نیزه‌های آخته در مقابل هجوم حریف صف بکشند. برای همین سامان قدوس دوست داشتنی و یاقوچان نژاد عزیز را از ترکیب بیرون می‌گذاشتند و در عوض کریم انصاری‌فرد و وحید امیری و سردار آزمون روی تخم چشمانش جادداشتند. چرا که آنها در کار دفاعی پرتلاش ظاهر می‌شدند. این همان خاصیتی است که موجب شد گوار دیولا، زلاتان را از پارسلونا دیپورت کند و یا مسوت اوزیل عمدتاً روی نیمکت ذخیره‌های آرسنال و تیم ملی آلمان بنشینند. می‌شود تصور کرد که اگر اوزیل در دهه ۸۰ بازیکن بود می‌توانست مدعی بزرگ کسب مهم‌ترین عنوان فردی فوتبال باشد. این ازجمله تاکتیک‌های دفاعی متناسب با پیشرفت‌های روز فوتبال جهان را در تاکتیک‌های برانکو در پرسپولیس هم می‌توانستید بجویید. در واقع موفقیت‌های زنجیره‌ای فوتبال ایران در ۸ سال گذشته ناشی از مجاهدت‌های دو قطب نامهمگون فوتبال ایران بود. کی‌روش و برانکو.

۹ در فوتبال پر فشار، سریع، با پهنای کم، فشرده و جنگجویانه فعلی دیگر هافبک‌های دربیل زن و متخصص حمل توپ ظهور نمی‌کنند. در چنین سبک فوتبالی فرصت کار انفرادی فقط در گوشه‌های زمین و برای وینگرها مهیا می‌شود. برای همین است که حالا گرانترین بازیکن‌ها وینگرها هستند. برای همین است که قیمت نیمار و امباپه و سانچو جیدو و ادن هازارد این قدر بالا است. وینگرهایی که می‌توانند حتی در فوتبال پر فشار امروز دربیل بزنند و فرار کنند. در فوتبال ایران این وینگرها کم هستند. جهانبخش و ترابی فعلا نتوانسته‌اند در حد آن منجی‌های موعود ظاهر شوند. تکنیک آنها در برخورد با بازی‌های پر فشار و تاکتیک‌های دفاعی و مدافعان خشن فعلا راهگشا نبوده‌اند. جهانبخش این مسئله را در حضور در لیگ برتر انگلیس با تمام وجود درک کرد. قلی‌زاده در فوتبال بلژیک که اصولاً از فشار کمتری نسبت به فوتبال انگلیس برخوردار است راحت‌تر بازی می‌کند اما او هم فعلا برای آینده نزدیک در نقش آن راهبی ساز بزرگ ظاهر نشده است. ترابی در پرسپولیس مهم‌ترین وینگر موجود در لیگ برتر ایران است اما او هم باید برای ایفای نقشی مهم برای پرسپولیس آن هم در بازی‌های فشرده لیگ ایران بسیار بهتر از این‌ها ظاهر شود.

۱۰ آیا فوتبال فعلی ایران ستاره‌ای در حد بزرگان سابق ارائه خواهد کرد؟ آمدن ویلمتوس و خلاصی از طرح‌های مهندسی شده و تاکتیکی کی‌روش راه را برای ظهور ستاره‌های بزرگ فوتبال و یا حداقل تثبیت آنها باز کرده است. هر چند این نوع فوتبال که ویلمتوس ارائه می‌دهد می‌تواند به شکلی غافلگیر کننده با ناکامی و شکست هم عینین باشد. اما بایباید گزینه‌ها را مرور کنیم.

۱۱ نمی‌دانیم. بپیراوند این ظرفیت را دارد که در کنار حلقه عابدزاده و حجازی به عنوان بهترین دروازه‌بان‌های تاریخ فوتبال ایران قرار گیرد اما شرطش این است که شخصیت متمایز تر و کامل‌تری از خود بسروز دهد. هم حجازی و هم عابدزاده کاراکترهای خاص و منحصر به فردی داشتند اما بپیراوند کاراکتر منحصر به فرد ندارد. برای یک دروازه‌بان دارا بودن کاراکتر خاص یک امتیاز الزامی است.

۱۲ مجید حسینی، مرتضی پورعلی گنجی و سیدجلال حسینی هم می‌توانند در فهرستی ۳۰ یا ۴۰ نفره از برترین‌های تاریخ فوتبال ایران ظاهر شوند. سیدجلال که در این فهرست جای پای خود را محکم کرده و پورعلی گنجی و حسینی می‌توانند شانس خود را بیازمایند اما بعید است هیچ کدام از آنها جایی در لیست ۲۰ نفره اول داشته باشند. به هر حال مدافع هستند و کار مدافعان برای ورود به چنین فهرستی بسیار سخت است. مگر چند نام پرآوازه جهانی در میان مدافعان در طول تاریخ داشته‌ایم؟ مالدینی، بارسی، بای، مور، بکن، بانسر و با کمی اغماض کاناوارو و کارلوس آلبرتو. آن هم در مقایسه با ده‌ها مهاجم

طارمی بهتر است یا غلامحسین مظلومی؟

آزمون بهتر است یا علی دایی؟

تبار شناسی فوتبالیست‌های ایرانی از دهه ۵۰ تا امروز

وقتی فیلم‌های قدیمی فوتبال ایرانی را نگاه می‌کنم در مورد اختلاف کیفی بازیکنان قدیمی با نسل فعلی دچار شک و تردید می‌شوم. وقتی شیوه پایه توپ و دربیل و شوت و پاس دادن ستاره‌های دهه ۶۰ می‌بینم و با هافبک‌ها و ستاره‌های فعلی مقایسه می‌کنم دچار شک می‌شوم؛ واقعا پیشرفت کرده‌ایم.

بگذارید داستان را به شکل دیگری بی‌بگیرم. آیا بازیکنی مثل ناصر محمدخانی را می‌توانید در فوتبال امروز ایران پیدا کنید؟ بازیکنی که با چنین مهارت تکنیکی استارت می‌زد، در بیل می‌زد، شوت از راه دور می‌زد، پاس‌ها و سانترهای زیبا انجام می‌داد و شم گلزنی بالایی داشت. بروید و سرچ کنید وبازی‌های محمدخانی این چهره دوزخی فوتبال ایران را ببینید و از حرکاتش لذت ببرید. یا حمید درخشان و مجید نامجو مطلق. دو ستاره‌ای که به هنگام حرکت پایه توپ، انگار توپ به پایشان چسبیده بود. کدام هافبک ایرانی می‌تواند اینگونه با توپ حرکت کند، بروید و ببینید که حمید درخشان چطور می‌ماندانه با توپ حرکت می‌کند. یا شعبده‌های عبدالعلی چنگیز که یک به یک‌ها را عین آب خوردن از سر راه بر می‌داشت و مهارش سخت‌ترین کار برای مدافعان بود. به تازگی فیلم‌هایی از دهه ۶۰ دیده‌ام که در آنها علی پروین راست پا، یک ضربه کاشته در سمت راست زمین را با کات داخل پای چپ به یک گل زیبا بدل می‌سازد. در مورد حسن روشن هم که هر چه بگویم کم گفته‌ام. او معدن خلاقیت‌ها و تکنیک‌های فوتبال بود. و حتی فرهاد پیوس و سیروس قایقران که کیسولی از خلاقیت و شعور فوتبال بودند. آیا آنها فوتبالیست‌های بهتری نسبت به فوتبالیست‌های امروز بودند؟ بگذارید برایان ماجرا را باز کنم.

تکنیکی و بهتر هافبک‌ها و مهاجمان در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ همین ضعف مدافعان بود. از دهه ۷۰ است که مدافعان قدرتمند و سختگیر به فوتبال ایران اضافه شدند و بخشی از آنها باز هم به خاطر حضور مربیان خارجی بود. مثلا پاشازاده با شگفتی می‌گفت که ویراژ من می‌خواست به هنگام زدن کرنرها، لباس مهاجمان حریف را بکشم! در حالیکه این کار در فوتبال ایران باب نبود. نسل مدافعان تاکتیکی و قوی فوتبال ایران از همین میانه دهه ۷۰ شروع می‌شود. پاشازاده، نادر محمدخانی (در اواخر دوران فوتبالتش)، رحمان رضایی، سهراب بختیازاده، یحیی گل محمدی، سید جلال حسینی، پژمان منتظری، امیرحسین صادقی، مرتضی پورعلی گنجی، مجید حسینی، شجاع خلیل زاده و... مدافعان درجه یکی که بهترین مدافعان تاریخ فوتبال ایران هستند. در واقع اگر فوتبال ایران سه دهه زیر نفوذ مهاجمان وهافبک‌ها بود حالا سال‌هاست که این مدافعان هستند که سرنوشته فوتبال ایران را مشخص می‌کنند.

۶ اما چند نکته: در دهه ۵۰ ابراهیم آشتیانی و حسن نظری دفاع راست‌های کاملی بودند که فوتبال مدرن را زودتر از دیگران درک کرده بودند. آنها نفوذ می‌کردند و در طرح‌های تهاجمی شرکت می‌کردند و در کارهای دفاعی هم موثر بودند. ابراهیم آشتیانی به عنوان یک مدافع راست بهترین بازیکن جام ملت‌های آسیا شناخته شد و حسن نظری هم در اوج جوانی در تورنمنت مادرید و در مقابل آرژانتین درخشش فوق‌العاده‌ای داشت اما افسوس که در جام جهانی خیلی خوب ظاهر نشد و فرصت بزرگی را از دست داد و بعد از انقلاب هم که به تدریج از فوتبال ملی و باشگاهی کناره گرفت و مثل خیلی از بازیکنان تاج راهی آمریکا شد.

۷ در دهه ۶۰ محمد پنجهلی ستاره‌ای استثنایی در فوتبال ایران بود. او در نقش یک لیبرو ظاهر می‌شد و به رغم آنکه قبلاً بوالبندی نداشت اما با تکیه بر هوش و پیش‌بینی حرکات حریف جلوه‌ای استثنایی در خط دفاع ایران داشت تا آنجا که به عنوان کاپیتان تیم منتخب آسیا انتخاب شد. یکی از دغدغه‌های بزرگ همه مربیان ملی یافتن زوج مناسب برای او در قلب خط دفاع بود.

۸ تفاوت‌های فوتبال امروز و دیروز فقط در رشد چشمگیر کیفیت فوتبال مدافعان نبود. تاکنسین‌های اروپایی به بازیکنان ایرانی تاکتیک‌های دفاع تیمی را هم آموزش دادند. بدین ترتیب هافبک‌ها و مهاجمانی در بورس قرار گرفتند که توانایی مشارکت در کارهای دفاعی را هم داشته باشند. این یک تغییر ماهوی در شیوه فوتبال بازی کردن است. بزرگ‌ترین پیام‌آور این تغییر تاکتیکی برای فوتبال ایران هم در این سال‌ها کی‌روش بوده است. او به فوتبال ایران اصول دفاع تیمی را به شکلی افراطی تزریق کرد. از دید او یازده

وقتی که استانکو و ایویچ شروع کردند به ایرانی‌ها تاکتیک و استراتژی‌های فوتبال نوین را یاد دهند و به آنها بگویند که آمادگی بدنی چه تاثیر شگرفی در موفقیت فوتبال امروزین دارد. امتیاز بزرگشان بر نسل قبل آمادگی بدنی بیشترشان بود. بدن قدرتمند علی دایی برای غلامحسین مظلومی و یا صفر ابرائیک و همایون بهزادی و غفور جهانی (همه سانترفورواردهای مشهور دهه ۵۰) همچون آرزویی دور از دسترس بود. حتی کریم باوی و صمد مرفاوی هم از چنین آمادگی بدنی خارق‌العاده‌ای دور بودند. در تمام فوتبال دهه ۵۰ و ۶۰ هافبکی به آمادگی بدنی کریم باقری نداشتیم. محمدصادقی در دهه ۵۰ هافبک‌تمام‌عیاری بود و یا مهدی فنونی‌زاده در دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ هافبک درشت اندامی بود اما هیچکدامشان آمادگی گیج‌کننده و فولادین کریم باقری را نداشتند. حسن روشن احتمالاً از مهدوی‌کیا تکنیکی‌تر و باهوش‌تر بود اما بدنش بسیار آسیب‌پذیرتر از مهدوی‌کیا بود. موشک ایرانی لقب درستی برای توصیف این گوش راست جالاک ایرانی بود. استانکو و بعد ایویچ راز و رمزهای تاکتیکی را به ایرانی‌ها یاد دادند. از آن سو دایی و مهدوی‌کیا و عزیزی و باقری راهی فوتبال آلمان شدند و آنجا همه فرجه گسناخ ایرانی‌شان تحت‌الشعاع قوانین تاکتیکی آلمانی و اروپایی قرار گرفت. در بازگشت‌شان به ایران نه دایی و نه مهدوی‌کیا و نه عزیزی گل‌های کپشانی به ثمر نرساندند. دیگر ترجیح دادند از فواصل بعید و عجیب دروازه‌ها را هدف قرار ندهند و یک تنه برای دربیل زدن به قلب دفاع حریف نگویند. آنها فوتبالیست‌های بهتری شده بودند اما در این میان عنصر نمایشی و زیبایی فوتبال ایرانی را به تدریج از دست دادند.

۵ بهبود تاکتیک در فوتبال ایران همزمان شد با ارتقای چشمگیر شرایط مدافعان. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ادعا می‌کنم که هیچ مدافع در تراز بین‌المللی در فوتبال ایران حضور نداشته است. البته در مورد مدافعان وسط فوتبال ایران می‌زنیم. حتی بهترین دفاع وسط دهه ۴۰ (حسن حبیبی) و بهترین دفاع وسط دهه ۵۰ (اکبر کارگر جم) در مقایسه با سیدجلال و پورعلی گنجی و نادر محمدخانی و مهدی پاشازاده، مدافعان بسیار ضعیف‌تری بودند. از زوج کارزانی و عبداللهی دیگر نمی‌گویم. این زوج محترم و دوست داشتنی در جام جهانی و در تلاش بهبودشان برای مهار ستاره‌های اروپا و آمریکا جنوبی بود که فهمیدند از چه مشکلات ساختاری عجیبی رنج می‌برند. این ضعف مدافعان وسط در دهه ۶۰ هم ادامه یافت. بایباید با هم مرور کنیم: رحیم میرآخوری، حسین معمار، سنجری، رحیمی پور، میراحمدیان، مسگرساروی، فرزاد نیا، رجبی، فنونی زاده، حسن زاده، سیدعلیخانی و... این‌ها بهترین مدافعان وسط ایران در دهه ۶۰ بودند که هیچکدامشان مدافعان وسط شش‌دانگی محسوب نمی‌شدند. یکی از دلایل بازی

۱ فکر می‌کنم به لحاظ تکنیکی آن بازیکن‌ها که در دوره جوانی در لیگ تخت جمشید آموزش دیده بودند. و از غنای تکنیکی فوق‌العاده‌ای برخوردار بودند. از کار با توپ لذت می‌بردند و در این عرصه خود را قابل رقابت با هم‌تایان خارجی خود می‌دیدند. این خصوصیات را در فوتبالیست‌های قبل از انقلاب و در امثال علی پروین و پرویز قلیچ‌خانی و علی جباری و حسن روشن و ایرج دانایی فرد هم می‌توانستید ببینید. تماشاگر ایرانی به درستی معتقد بود بازیکن‌های ایرانی کارهایی با توپ می‌توانند انجام دهند که هیچ کس در آسیا نمی‌تواند.

۲ این نسل در آسیا به مقام سلطانی رسیده بود. در بازی‌های دوستانه هم امیدوار کننده بودند اما وقتی در جام جهانی با هلند و پرو برخورد کردند از هم فروپاشیدند. آن یازده تایی تکنیکی در مقابل هلند همچون کودکانی بی‌آزار دنبال توپ می‌دویدند و بی‌آنکه بتوانند کاری کنند. سه تا گل خوردند و اگر حجازی در روز خوش نبود ۵ تایی دیگر هم می‌خوردند. اصلا سه تا گل را فراموش کنید. مسئله سيطرة کامل و شدید هلندی‌ها بر بازی بود.

۳ این نسل برآمده از تخت جمشید کل فوتبال دهه ۶۰ ما را پوشش داد. تماشاگران در استادیوم‌ها می‌رفتند و بازی‌هایی نمایشی و جذاب را می‌دیدند. با محمدخانی و پروین و علیدوستی و چنگیز و مختاری فر و قایقران و شاهرخ پر از هیجان. اگر بازی‌های سه هفته اول فوتبال ایران را در همین فصل جاری دیده باشید متوجه شده‌اید چیزی که در این بازی‌ها وجود ندارد ذره‌ای هیجان که تکنیک و نمایش است. دو گروه خشن یازده نفره هستند که روبه روی هم صف می‌کشند و به هم چنگ و دندان نشان می‌دهند و سعی می‌کنند بازی همدیگر را خراب کنند.

۴ نسل دهه ۷۰ وضعیت ویژه‌ای داشتند. ستاره‌هایی که از فوتبال پس از انقلاب بیرون آمده بودند و عموماً متولدین نیمه دوم دهه ۴۰ و دهه ۵۰. آنها فرصت همبازی شدن با ستاره‌های متولد دهه ۳۰ را داشتند. استعداد‌های جدید فوتبال ایران بودند. آنها استادیوم‌های شلوغ و لذت‌بازی نمایشی را به چشم دیده بودند. هنوز غول تاکتیک، نمایش راز فوتبال ایران حذف نکرده بود. هنوز بازیکن‌ها از حرکت پایه توپ، سرتوپ زدن‌ها و چرخش‌ها لذت می‌بردند. این نسل کاملترین فوتبالیست‌های تاریخ فوتبال ایران را به ما هدیه داد. علی دایی، علی کریمی، احمد عابدزاده، کریم باقری، خداداد عزیزی و مهدی مهدوی‌کیا. همه آنها به استانداردهای بین‌المللی دست یافتند و در جام جهانی هم حاضر شدند و اتفاقاً بازی‌های خوبی هم انجام دادند. دهه هفتادی‌ها یک شانس بزرگ داشتند. آنها تلفیقی بودند از فوتبال نمایشی دهه ۶۰ با موج تاکتیکی دهه ۷۰.